



10.48315/QGL.2025.425280.1057

فصلنامه «دولت و حقوق»، سال ششم، شماره اول (پیاپی ۱۹)، بهار ۱۴۰۴، صص. ۹۷-۱۲۰

سیاست کیفری امنیت‌گرا در قلمرو حق بر ارتباط مجازی

امیرحسین خسروآبادی*

احمد عابد صالح فعل**

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

چکیده

در آغاز هزاره سوم، استقرار نظام‌های سیاسی و امنیت دولت‌ها در معرض تهدید قرار گرفت و بحران‌های امنیتی، منجر به شکل‌گیری سیاست‌های کیفری امنیت‌گرا شد. بر اساس این سیاست، بزه‌کاران به‌مثابه «دشمنان» خطرناک، هدف مداخله کیفری ویژه قرار گرفتند که آثار قابل توجهی در نقض اصول بنیادین حقوق کیفری کلاسیک به همراه داشت. با این حال، تأکید بر حفظ امنیت، مهار خطرناکی بزه‌کاران و مدیریت ریسک جنایی منجر به گسترش استفاده از سیاست‌های کیفری امنیت‌گرا شد. در این میان، مبانی نظری علوم جنایی پسا مدرن نظیر دفاع اجتماعی و کنترل اجتماعی، بر تقویت رویکرد امنیت‌گرایانه کیفری مؤثر بودند. تحولات حوزه فناوری‌های ارتباطاتی در دوران معاصر سبب شد که دولت‌ها با توجیهات امنیت‌گرایانه به قلمروی ارتباطات خصوصی افراد وارد شوند که گاهی منجر به تحدید حقوق ارتباطی اشخاص شده است. این امر زمانی به چالش می‌انجامد که دسترسی به ابزارهای ارتباطی، به دلیل اهمیت روزافزون در پیشبرد حیات بشری، به یک حق اساسی بشری تبدیل می‌شود. پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به توصیف آثار امنیت‌گرایی بر مداخله کیفری در حوزه حق ارتباط در فضای مجازی می‌پردازد. از مهم‌ترین این آثار که در متون تقنین کیفری نمایان شده است، افزایش قلمرو سیاست‌های کیفری توانگر نسبت به ابزارهای ارتباطی، اتخاذ راهبردهای نامشخص و نامحدود در قبال وضع محدودیت‌های حقوق ارتباطی، و توسعه مداخله کیفری در حریم خصوصی افراد است. این رویکرد باید از دریچه معیارهای حقوق شهروندی، حقوق بشر و اصول بنیادین حقوق کیفری ارزیابی شود. دستاورد تحلیلی این پژوهش آن است که مداخله کیفری امنیت‌گرا در قبال حقوق ارتباطی، موجب محدودیت‌های اساسی در حقوق بنیادین شهروندان نظیر حق بر آزادی می‌شود. همچنین، موجب نقض اصل قانونمندی کیفری به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بشر بین‌المللی خواهد شد. از سوی دیگر، اصل کمینه‌گرایی کیفری، به‌عنوان راهبرد رویه‌ای حقوق کیفری، در معرض تهدید قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

حق بر ارتباط، امنیت‌گرایی، مداخله کیفری، حریم خصوصی، سیاست جنایی.

* دانش‌آموخته مقطع دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی (ره)، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
a_khosroabadi@sbu.ac.ir

** دانش‌آموخته مقطع کارشناسی‌ارشد پیوسته، حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.
a.abedsaleh@isu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۳۱

مقدمه

یکی از اهداف ویژه و اصلی دانش حقوق، «نهادسازی و ارزش آفرینی» و «کنترل اجتماعی و تنظیم رفتارها و فعالیت‌های انسان» است. «حقوق کیفری غالباً به قلمروی خاص و تحت تأثیر ارزش‌های اساسی حاکم در آن قلمرو محدود است» (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۱۵). حقوق کیفری نیز به مثابه ابزاری برای حمایت از ارزش‌های بنیادین جامعه و ابزاری تنبیهی برای رفتارهای ناقض این ارزش‌ها، به نقش آفرینی در این عرصه می‌پردازد. به مقتضای ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در جامعه، سیاست کیفری خاصی ملاک عمل قرار می‌گیرد و دولت‌ها، اقدامات تنبیهی خود را بر اساس آن تدوین می‌کنند. گذر زمان و تحولات بنیادین در اندیشه بشر موجب شد که قلمرو و نوع مداخله حقوق کیفری همسو با جنبه‌های انسان‌دوستانه شود. در گذشته، حیوانات و اشیاء در کنار انسان‌ها، موضوع حقوق کیفری قرار می‌گرفتند و مورد مجازات واقع می‌شدند (الهام و برهانی، ۱۴۰۰: ۲۸-۲۹)، اما به تدریج قلمرو مداخله حقوق کیفری به کنش‌های انسان (و به تدریج، اشخاص حقوقی) محدود شد.

وقوع تحولات شگرف در عرصه فناوری ارتباطات و اطلاعات، نه تنها وابستگی انسان به ابزارهای ارتباطی را تشدید کرد، بلکه پیامدهای متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به دنبال داشت که گاهی این پیامدها منجر به تهدید نظم اجتماعی و تضعیف امنیت ملی شد. مهم‌ترین ویژگی‌های بارز ابزارهای نوین ارتباطی، سبک، قابل حمل و قابل استفاده در راستای رفع نیازهای انسان بود که عملاً آن را به جزء لاینفک حیات اجتماعی تبدیل می‌کرد (باستانی، ۱۳۸۳: ۹-۱۰). قربات ابزارهای ارتباطی با انسان موجب شد که کاربری این گونه ابزارها از ساحت رفع نیازهای مادی انسان فراتر رود و به پدیده‌های اجتماعی تبدیل گردد و تأثیر مستقلى بر کنش‌های اجتماعی انسان بگذارد.

همچنین کارکردهای ارتباطی این ابزارها موجب شده است که امروزه نقش مؤثری در تأمین نیاز شهروندان در برقراری ارتباط ایفا کند. در حال حاضر، برنامه‌های کاربردی (اپلیکیشن‌ها) به دلیل قابلیت نصب بر روی تلفن‌های همراه و قابلیت دسترسی آسان به آن‌ها، نقش مهمی در توسعه ارتباطات ایفا می‌کنند. همان‌طور که تلفن همراه یک وسیله ارتباطی است، بخشی از این برنامه‌های کاربردی نیز ماهیتاً دارای کارکرد ارتباطی هستند که در راستای تسهیل در ارتباطات مجازی، جایگاه بسیار مهمی دارند. اما با وجود این کارکردهای وسیع ارتباطی، چالش‌های متعددی از قبیل عدم نظارت‌پذیری نیز با خود به همراه دارد. این چالش ممکن است پیامدهای زیانبار اجتماعی به دنبال داشته باشد و نظم اجتماعی را تهدید کند. به همین دلیل، دولت‌ها مصمم هستند با استفاده از ابزارهای حقوقی، دسترسی به ابزارهای ارتباطی را کنترل کنند و با نقض حریم خصوصی

ارتباطات، بر محتوای تحت انتقال در بستر برنامه‌های کاربردی نظارت داشته باشند. «نظم اجتماعی» به مثابه مؤلفه مهم جامعه سامان‌یافته، مقوله‌ای نظری مهم در تحلیل رویکرد سیاست‌های جنایی است (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۱۶۴-۱۶۶). در صورتی که پدیده جنایی منجر به تهدید وجودی علیه نظم اجتماعی شود، سیاست‌های کیفری سرکوبگر تجویز می‌شود (شاملو، ۱۴۰۳: ۱۱۷-۱۱۶). در این میان، سیاست جنایی امنیت‌گرا مهم‌ترین رویکردی است که در راستای صیانت از نظم اجتماعی در قبال تهدیدات علیه بقای آن، بروز می‌یابد. سیاست جنایی امنیت‌گرا آثار ویژه‌ای بر حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان دارد و نمودار چهره سرکوبگر حقوق کیفری در برابر تهدیدات اجتماعی است. مسئله این پژوهش معطوف به آثار امنیت‌گرایی در حقوق ارتباطی شهروندان است؛ پرسش محوری در خصوص ارزیابی این آثار در چارچوب اصول بنیادین حقوق کیفری است. با این حال، باید ضمن تبیین چارچوب نظری این مسئله، به مبانی سیاست جنایی امنیت‌گرا اشاره شود.

در این نوشتار، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، نخست به روایت امنیت‌گرایی در قلمرو حق بر ارتباط در فضای مجازی اشاره می‌شود. در قسمت دوم، آثار هنجاری امنیت‌گرایی در تحدید حق بر ارتباط در فضای مجازی واکاوی شده و بر اساس اصول حقوق کیفری، این آثار مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. روایی امنیت‌گرایی کیفری در قلمرو حقوق ارتباطی در فضای مجازی

مسئله این پژوهش، تبیین و ارزیابی آثار امنیت‌گرایی کیفری بر محدودیت حقوق ارتباطی در بستر فضای مجازی است. اما در ابتدا، باید مفاهیم مرتبط با امنیت‌گرایی و حق بر ارتباط بررسی شوند. سپس، مبانی تأثیر سیاست جنایی امنیت‌گرا در این حوزه تبیین گردد.

۱-۱. چارچوب نظری

در این گفتار، مفهوم امنیت‌گرایی کیفری و حق بر ارتباط، به عنوان دو مؤلفه کلیدی این پژوهش، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۱-۱. امنیت‌گرایی^۱ کیفری

به طور طبیعی، انسان‌ها نسبت به ارزش‌هایی نظیر جان، مال، حیثیت و آزادی احساس نیاز می‌کنند. هرگونه تعدی به این ارزش‌ها، انسان را به تکاپو می‌اندازد تا از آن‌ها دفاع کند. این امر به نیاز مهم‌تر دیگری باز می‌گردد که «امنیت» است. امنیت، به مثابه یک ارزش والا در حقوق کیفری،

یکی از پایه‌های اساسی سیاستگذاری کیفری محسوب می‌شود؛ به نحوی که محور برخی جرم‌انگاری‌ها و کیفرانگاری‌ها در راستای صیانت از این ارزش قرار دارد (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۱۵). همچنین، در نگاه برخی اندیشمندان مسلمان، «امنیت» به مثابه یکی از ضروریات خمسه در سیاست شرعیه جزایی اهمیت می‌یابد و معیار مداخله کیفری حکومت اسلامی قرار می‌گیرد (منتظری، ۱۴۲۹ق: ۱۴۲). گرایش افراطی به صیانت از ارزش امنیت، ممکن است منجر به شکل‌گیری رویکردهای رادیکالی با هدف تشدیدگرایی کیفری و سرکوبگری شود. امنیت‌گرایی کیفری حاصل چنین وضعیتی است (شاملو، ۱۴۰۳: ۱۰۳-۱۰۴).

در سیاست جنایی امنیت‌گرا، اهمیت «احساس امنیت» بر خود ارزش «امنیت» غلبه می‌کند و با روایت‌سازی و تلاش برای تغییر ادراک سوژه‌ها، رویکردهای رادیکالی در سیاست‌های کیفری پدید می‌آید. تحولات امنیت‌گرا در سیاست‌های جنایی، منجر به دخالت حداکثری دولت در حوزه قانون‌گذاری و قضایی با هدف صیانت از نظم اجتماعی و استفاده از تدابیر سرکوبگر شد (عالی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۸۴). به عنوان مثال، دولت آمریکا در نیمه قرن بیستم، در راستای تثبیت قدرت خود در حوزه نظم و امنیت، اقدام به روایت‌سازی غیرواقعی از ناکارآمدی رویکرد اثبات‌گرایی حقوق کیفری و سیاست‌های اصلاح و درمان کرد که منجر به گفتمان بازگشت به نظم و قانون در سیاستگذاری کیفری گردید (Maruna, 2019: 259). ثمره این رویکرد، تحدید گسترده حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان، اعطای اختیارات فراقانونی به مقامات قضائی و فرا قضائی، و عدول از اصول بنیادین دادرسی عادلانه و منصفانه بود. در این دوره، سیاستگذاری کیفری رادیکال در رویکرد امنیت‌گرایی قوت گرفت و آثار قابل توجهی بر حقوق کیفری شکلی و ماهوی برجای گذاشت (جعفری، ۱۳۹۲: ۳۷). در اثر این رویکرد، قواعد ماهوی و شکلی کیفری دائر مدار امنیت شد و ارزش عدالت در سیاستگذاری کیفری به حاشیه رفت و حتی منجر به تضعیف بسیاری از حقوق و آزادی‌های شهروندان گردید (توجهی و دهقان، ۱۳۹۲: ۲۷).

۱-۲. حق بر ارتباط^۱

امروزه، ارتباطات به عنوان یکی از قابلیت‌های حیاتی بشر در تعامل با انسان‌ها و زیست جمعی شناخته می‌شود. همه انسان‌ها از بدو تولد، صرف‌نظر از دارا بودن توانایی کلامی، نمادهای معنایی را به هم‌نوعان خود منتقل می‌کنند. حالات صورت، حرکات دست، نحوه گفتار و نوع حرکت اعضای بدن، جلوه‌هایی از نمادهای ارتباطی هستند که انسان‌ها منتقل می‌کنند. بر اساس یک تعریف حقوقی، حق بر ارتباطات به امتیاز اشخاص برای در اختیار داشتن مطلق فرآیندها و

ابزارهای ارتباطی گفته می‌شود که از سوی هنجارهای موضوعه مورد حمایت قرار می‌گیرد (میرعمادی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). این حق مشتمل بر دو حق بشری، یعنی حق بر آزادی بیان و حق بر دسترسی آزاد به اطلاعات عمومی است. بر این اساس، حق بر ارتباط به معنای اختیار و توانایی بدون مانع اشخاص در تبادل اطلاعات و ایده‌ها با یکدیگر است. به موجب این حق، افراد می‌توانند از طریق هر روشی نظیر گفت‌وگوی شفاهی، ابزارهای مخابراتی (نظیر تلفن) و ابزارهای اینترنتی (نظیر سکوها‌ی پیام‌رسانی)، با هر شخصی ارتباط داشته و به انتقال داده‌ها و اطلاعات بپردازند. بر این اساس، آزادی بیان صرفاً یکی از مقومات ضروری حق بر ارتباط محسوب می‌شود.

با توجه به ماهیت ارتباطات و گستردگی کاربرد آن در حیات بشری، حق بر ارتباط به یکی از جلوه‌های نوین حقوق بشر تبدیل شده است. امروزه، یکی از مهم‌ترین مصادیق بارز حقوق بشر نسل سوم، حق بر ارتباطات است (عباسی، ۱۳۹۰: ۳۶۳) که نخستین ریشه‌های این حق را می‌توان در ماده (۱۹) اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸م) ملاحظه کرد. ذیل این ماده بر حق انتشار آزاد اطلاعات و عقاید از طریق رسانه‌ها تأکید شده است (McLeod, 2018: 3). برخی حقوق‌دانان، حق مورد اشاره در این ماده را مصداق حق بر ارتباط دانسته‌اند. با این حال، نباید حق بر ارتباطات را معادل آزادی بیان دانست، بلکه آزادی بیان یکی از مقومات ضروری حق بر ارتباط است، در عین حال که تفاوت ماهوی بارزی میان این دو وجود دارد.

انقلاب فناوری و ایجاد ابزارهای ارتباطی در بستر اینترنت، موجب نزدیکی انسان‌ها به یکدیگر و خلق مفهومی به نام دهکده جهانی شده است. این وضعیت، ضمن آنکه شیوه‌های ارتباطی را متحول کرده است، نظام حقوقی حاکم بر ارتباطات را نیز دستخوش دگرگونی ساخته است. این دگرگونی‌ها همسو با تحولات سیاست‌های جنایی بوده است؛ با این توضیح که نظریات کلاسیک حقوق کیفری در برابر چالش‌های اجتماعی موجود کارآمد نبودند و نظریه‌های مقتضی با شرایط جدید ایجاد شدند (فراهانی، ۱۳۸۹: ۵۳). اگرچه توسعه و ترویج اندیشه آزادی فردی و اختیارگرایی گفتمان رایج فلسفه حقوق دو قرن گذشته بود، اما به اقتضای تحولات سریع اجتماعی، تکلیف دولت‌ها به تضمین امنیت اهمیت چشمگیری یافت. رهاورد این تحول نظری آن است که دولت به‌طور گسترده در مسائل شخصی شهروندان دخالت کند (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۱۷).

۱-۳. ارتباطات مجازی

حقوق ارتباطات، حسب ابزارهای ارتباطی و فرآیندهای تسهیل‌کننده ارتباطات، به شاخه‌های متنوعی نظیر حقوق ارتباطات جمعی، حقوق ارتباطات دور و حقوق ارتباطات اینترنتی تفکیک می‌شود. با توجه به عمومیت کاربرد استفاده از برنامه‌های کاربردی پیام‌رسان در تلفن‌های همراه،

حقوق ارتباطات در بستر اینترنت اهمیت اساسی می‌یابد. به داده‌های ارتباطی انتقال یافته از سوی این برنامه‌های کاربردی در بستر شبکه اینترنت، ارتباطات مجازی گفته می‌شود.

در عصر حاضر، اینترنت رشد سریعی دارد و موجب توسعه در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه شده است. در عین حال، «اینترنت پنجره‌های ناشناخته مجرمانه را پیش روی ما گشوده است که مرزها و حدود مداخله حقوق را به چالش کشیده است و شناسایی و تقلیل مجرمان را به مشکل اجتماعی فزاینده‌ای مبدل ساخته است» (جایشانکار، ۱۳۹۴: ۱۸۷). بدون شک، جامعه بین‌المللی از دهه‌های آخر قرن بیستم، از طریق توسعه شبکه‌های اینترنت در جهان، دستخوش تحولی عظیم بوده است. یکی از نتایج این تحول، ایجاد امکان دستیابی ساده، سریع و ارزان افراد مختلف در هر نقطه دنیا به اطلاعات گوناگون است. این تحول بزرگ، جهان را به دهکده‌ای کوچک تبدیل ساخته است که به اقتضای این تحول، سیاست‌های جنایی نیز رویکرد سرکوبگری به خود گرفت که همسو با تحولات اجتماعی بود (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۱۱۱-۱۱۲). در واقع، ارزش‌های هر جامعه با توجه به پیشرفت سریع فناوری‌ها و شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر آن جامعه دستخوش تغییر و تحول می‌گردد. گاهی دولت‌ها تسلیم این تحولات می‌شوند، اما گاهی اوقات این ارزش‌های نوپدید با هنجارهای مسلط و حاکم بر جامعه تعارض می‌یابد. در این وضعیت، دولت‌ها از ابزارهای کیفری بهره می‌جویند (فیروزمند، ۱۳۸۵: ۲۳).

فضای مجازی، فضایی «غیر ملموس است که در شبکه‌های بین‌المللی (که از طریق اینترنت به هم متصل می‌شوند) وجود دارد. در این محیط، تمام اطلاعات مربوط به روابط افراد، ملت‌ها، فرهنگ‌ها و کشورها به صورت ملموس و فیزیکی در یک فضای مجازی و به صورت دیجیتال وجود داشته و در دسترس افراد قرار دارد» (باستانی، ۱۳۸۳: ۳۶). در یک تعریف کامل، فضای مجازی «محیطی است مجازی و غیر ملموس موجود در فضای شبکه‌های بین‌المللی (که از طریق شاه‌راه‌های اطلاعاتی مثل اینترنت به هم وصل هستند) که در این محیط تمام اطلاعات مربوط به روابط افراد، فرهنگ‌ها، ملت‌ها، کشورها و به طور کلی هر آنچه در کره خاکی به صورت فیزیکی و ملموس (به صورت نوشته، تصویر، صوت و اسناد) در یک فضای مجازی به صورت دیجیتال وجود داشته و قابل استفاده و دسترسی استفاده کنندگان و کاربران می‌باشد و از طریق ابزارهایی چون رایانه، تبلت، تلفن همراه و سایر شبکه‌های بین‌المللی به هم مرتبط می‌باشند» (نژندی‌منش، ۱۳۹۵: ۲۲-۲۳). یکی از ویژگی‌های بارز فضای مجازی، ایجاد موقعیتی است که افراد فارغ از هرگونه کنترل وارد این عرصه شده و با آزادی عمل هر نوع رفتاری را مرتکب شوند (البوعلی، ۱۳۹۲: ۱۹). اما «یکی از پیامدهای نامطلوب فضای مجازی، قابلیت مخفی کردن هویت واقعی فرد و نشان دادن چهره‌ای موهوم و غیرواقعی از خود برای دیگر کاربران است» (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

۲-۱. مبانی

در راستای رشد سریع فناوری‌های ارتباطی و وابستگی جامعه پسا مدرن به این فناوری و پدید آمدن مسائل اجتماعی-حقوقی گسترده در این توسعه ارتباطی، تحولات حوزه سیاست‌های جنایی امنیت‌گرا نیز آغاز شد (بای و پورقهرمانی، ۱۳۸۸: ۴۶). دلیل این امر آن است که نقض هنجارهای بنیادین در بستر فضای مجازی، چالش‌های زیادی را در فرآیند مداخله کیفری به همراه آورده است. خلق پدیده‌های جنایی زیانبار و با ماهیت ناشناخته، پیچیدگی الگوی ارتکاب جرم و پیشرفته‌تر شدن ابزارهای ارتکاب، امکان تعقیب و محاکمه را دشوار ساخت. در این میان، ناشناخته بودن هویت بزهکاران و بزه‌دیدگان و عدم امکان تخمین صحیح از زیان‌های وارده، چالش‌های مضاعفی را به همراه داشت (وال، ۱۳۸۹: ۶۶).

مسائل مذکور، مهم‌ترین چالش‌های سیاست‌های جنایی در مواجهه با جرایم ارتکاب‌یافته در قلمروی ارتباط مجازی است. این چالش‌ها، سیاست‌های جنایی را به سمت رویکردهای امنیت‌گرایانه سوق داد (باستانی، ۱۳۸۳: ۱۰۳). اما چرایی گزینش سیاست کیفری امنیت‌گرا در مواجهه با این جرایم، تحت تأثیر رویکردهای جرم‌شناختی دهه ۱۹۷۰ میلادی قابل تبیین است. در ادامه، به چهار سطح تحلیل در این حوزه اشاره می‌گردد که هر یک معطوف به ویژگی‌های سیاست‌جنایی امنیت‌گرا است.

۱-۲-۱. حالت خطرناک^۱

یکی از مشخصه‌های بارز سیاست جنایی امنیت‌گرا، جرم‌انگاری حالت خطرناک است. حالت خطرناک به اوضاع و احوالی اطلاق می‌شود که بزهکار را در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهد. این حالت خطرناک دلالت به ظرفیت بالقوه جنایی دارد که بزهکار را در آستانه کنش جنایی قرار می‌دهد. حالت خطرناک می‌تواند ناظر به وضعیت درونی اشخاص باشد و ممکن است متعلق به محیط بیرونی نیز باشد (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۲۳۵-۲۳۷). حالت خطرناک می‌تواند به دلایل مختلفی مانند سابقه بزهکاری، نوع و شدت جرم، اختلالات روانی و رفتارهای پرخطر مورد ارزیابی قرار گیرد. در بسیاری از کشورها، ارزیابی خطر و تعیین حالت خطرناک افراد می‌تواند بر تصمیمات قضائی مانند صدور حکم، مدت زندان یا آزادی مشروط تأثیر بگذارد. اگرچه امکان پاسخ کیفری نسبت به حالت خطرناک تحت عنوان اقدامات تأمینی وجود دارد

(الهام و برهانی، ۱۴۰۰: ۳۰۶-۳۰۷)^۱، باید توجه داشت که این موضوع نباید موجب گردد که حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان نقض گردد.^۲ به همین دلیل، نظام عدالت کیفری برای مواجهه با حالت خطرناک باید به پاسخ‌های پیشگیرانه اکتفا کند و پاسخ‌های کیفری نامتعین و نامحدود، مصداق نقض حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان خواهد بود.

اما این نکته نیازمند تأکید است که حقوق عمومی جامعه اقتضا می‌کند که در برابر حالت‌های خطرناک، از جامعه صیانت شود. این تزامم میان حقوق و آزادی‌های فردی یا حقوق عمومی جامعه باید با استفاده از تدابیر و اقدامات تأمینی و تربیتی به منظور کاهش ریسک جنایی و پیشگیری از وقوع رفتارهای زیانبار رفع گردد (Lab, 2008: 275). این حالت‌های خطرناک که می‌تواند موضوع اقدامات تأمینی قرار گیرد، شامل موارد زیر است:

۱. **خطر صدمه به خود یا دیگران:** افرادی که به دلیل اختلالات روانی یا رفتارهای پرخطر، در معرض آسیب به خود یا دیگران قرار دارند.
۲. **فعالیت‌های مجرمانه مکرر:** افرادی که سابقه ارتکاب جرم دارند و احتمال تکرار جرایم آن‌ها بالاست.
۳. **سازمان‌یابی برای ارتکاب جرم:** ابزارها، فرایندها، سازمان‌ها یا گروه‌هایی که به صورت سازمان‌یافته اقدام به انجام جرایم می‌کنند.
۴. **عدم توانایی در کنترل رفتار:** افرادی که دارای مشکلاتی در کنترل و مدیریت رفتار خود هستند و ممکن است به سرعت وارد اقداماتی خطرناک شوند.

۱-۲-۲. دشمن‌مداری

یکی دیگر از مبانی برجسته سیاست جنایی امنیت‌گرا، گفتمان دشمن‌مداری است. با ایجاد بازخوردهای منفی نسبت به سیاست‌های اصلاح و درمان و شکل‌گیری مطالبات عمومی شهروندان در خصوص تضمین امنیت و آسایش، سیاست‌گذاران کیفری به استفاده از ابزارهای کنترلی سرکوبگر روی آوردند. توجه به مفهوم «ما» و تقابل آن با «دیگری»، مهم‌ترین ساخت مفهومی «سیاست جنایی امنیت‌گرا» بود. گفتمان «دشمن‌مداری»، چهره‌ای به مراتب خشن‌تر از سیاست جنایی امنیت‌گرا دارد. این رویکرد از طریق تزریق مفهوم دوگانه «شهروند-دشمن» و «ما-دیگری» به

۱. ماده (۸۸) و (۱۵۰) قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) مصداق بارز مداخله کیفری برای دو وضعیت خطرناک است که ناظر به حالت کودکان بزهکار و افراد دارای اختلال روانی ارائه شده است.

۲. اصل حاکمیت قانون در امر جزایی، شامل قانونی‌بودن اعمال واکنش کیفری نیز می‌شود و مجازات و محدودیت‌های تحمیل شده نباید از حدود مقرر در قانون فراتر رود.

سیاست‌جنایی باعث شد امنیت و جرم در یک تقابل میدانی قرار گیرند و پاسخ به جرم تنها از طریق اعلام جنگ علیه جرم، امکان‌پذیر باشد (توجهی و دهقانی، ۱۳۹۲: ۱۷-۱۸).

گفتمان دشمن‌مدار زاینده اندیشه گونتر یا کوبس^۱، استاد دانشگاه آلمان و مبتکر نظریه حقوق کیفری دشمنان^۲ است. وی با تفکیک میان دو سوژه «شهروندان» و «دشمنان»، قواعد حقوق کیفری را نسبت به هریک از این دو سوژه از یکدیگر متمایز می‌داند. بر اساس این نظریه، اصول مداخله کیفری نسبت به دشمنان در دوره زمانی تهدید و جنگ، تفاوت ماهوی با حقوق کیفری سنتی دارد. در این وضعیت، رسالت حقوق کیفری صیانت از امنیت ملی است و هر تهدید مستقیم و غیرمستقیم علیه امنیت ملی، موضوع حقوق کیفری دشمن‌مدار قرار می‌گیرد؛ با این توضیح که فرایندهای کیفری اختصاصی برای آن تجویز می‌شود، نوع و شدت کیفرهای تحمیل‌شده تحول می‌یابد و قواعد حقوق بشر در فرایند کیفری تضعیف می‌گردد (Jakobs, 2010: 169). تأثیر بارز این گفتمان بر حقوق کیفری در هزاره سوم میلادی قابل مشاهده است. تصویب و بازنگری در قوانین کیفری ماهوی و شکلی با رویکرد تشدید برخورد‌های کیفری، تحدید حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان و اعطای اختیارات فراقانونی و فراقضائی به ضابطان دادگستری جهت مقابله با افرادی که تهدید علیه امنیت ملی به‌شمار می‌روند، جلوه‌هایی از حقوق کیفری دشمن‌مدار است.

ظهور این گفتمان در سیاست‌های جنایی همراه با انتقاداتی بوده است. نقض ارزش‌های حقوقی بشری نظیر کرامت انسانی، برابری قانونی و حاکمیت قانون، دستاوردهای بارزی است که تحت تأثیر این گفتمان به دست آمده است و از رهگذر راهبرد «جنگ علیه جرم»، به «جنگ علیه دستاوردهای حقوق بشری نظام کیفری» رسیده است. در این میان، توسعه ابزارهای ارتکاب جرم و ناشناخته ماندن شیوه‌های ارتکابی، موجب تقویت گفتمان دشمن‌مداری حقوق کیفری شده و امنیت‌گرایی جنایی را توسعه می‌دهد (وال، ۱۳۸۹: ۲۰۲-۲۰۳).

۱-۲-۳. دفاع اجتماعی

یکی دیگر از بنیادهای نظری سیاست جنایی امنیت‌گرا، جرم‌انگاری و کیفردهی در راستای آموزه‌های مکتب دفاع اجتماعی است. از دیرباز، دفاع از جامعه در برابر بزهکاران مورد توجه دولت‌ها بوده است. به همین دلیل، مکتب «دفاع اجتماعی» در اروپا شکل گرفت که خطوط اساسی سیاست جنایی در مبارزه با بزهکاری را با محوریت دفاع از نظام اجتماعی ترسیم کرد (دلماس مارتی، ۱۳۹۳: ۳۴). در نخستین آموزه‌های دفاع اجتماعی، بر شدت مجازات تأکید می‌شد؛ بدین معنا

1. Günther Jakobs

2. Criminal Law of the Enemy (Feindstrafrecht)

که تصور می‌شد هرچه شدت مجازات بیشتر باشد، رسالت دفاع از هیئت اجتماع بهتر و جامع‌تر محقق خواهد شد. به همین دلیل، شدت مجازات مانع اساسی در برابر بزهکاران به شمار می‌رفت. به تدریج، نظریات متأخر در مکتب دفاع اجتماعی از واکنش‌های سرکوبگرانه فاصله گرفت و به موضع معتدلی مانند اصلاح زندان‌ها، پیشگیری از جرم و مجازات‌های جایگزین حبس رسید (آنسل، ۱۴۰۱: ۴۶). این مکتب در دهه ۱۹۳۰ میلادی توسعه فراگیری داشت و آثار شگرفی بر قوانین کیفری کشورهای اروپایی بر جای گذاشت. آزادی فردی از منظر مکتب دفاع اجتماعی، از احترام والایی برخوردار بود و ضمن پذیرش اصل حاکمیت قانون در فرایند کیفری، مداخله کیفری را زمانی تجویز می‌کرد که رفتار ضد اجتماعی ارتکاب‌یافته به ارزش‌های بنیادین اخلاقی جامعه خدشه وارد کند. لذا، اگرچه نظام جنایی به دلیل دفاع از کيان و هیئت جامعه به پاسخ کیفری در موضوع محل بحث می‌پردازد، اما این دلیل نباید بهانه‌ای بر این امر باشد تا آزادی‌های فردی شهروندان نادیده انگاشته شود و حرکت به سمت نقض آزادی‌های بنیادین به بهانه دفاع از اجتماع، می‌تواند به امنیتی شدن سیاست جنایی منجر شود.

۱-۲-۴. رویکرد کنترل اجتماعی

جرم‌شناسی کنترل اجتماعی، در واکنش به ضعف نظریات علت‌شناسانه جرم‌شناسی تجربی، در آمریکا مطرح شد. پیش‌فرض این رویکرد جدید آن بود که انسان‌ها ذاتاً گرایش به ارتکاب رفتار جنایی دارند و باید آن دسته از عواملی که مانع ارتکاب جرم می‌شوند، کشف گردد (Reckless, 1967: 20-21). بنابراین، این نظریه به جای تمرکز بر علت‌شناسی جنایی رفتارهای بزهکارانه، به عوامل بازدارنده و کنترل‌کننده کنش‌های انسان توجه دارد. نخستین بار در سال ۱۹۶۱ میلادی، نظریه «مهار»^۱ یا کف نفس توسط والتر رکلس^۲ مطرح گردید و به عنوان یکی از نظریه‌های مطرح در حوزه جرم‌شناسی کنترل اجتماعی طبقه‌بندی می‌شود. رکلس به دو دسته از موانع درونی و بیرونی که در مهار ریسک جنایی نقش دارند، اشاره می‌کند. نظریه مهار با محوریت قرار دادن خویشتن‌داری، برای پیش‌بینی تکرار رفتارهای مجرمانه در آینده یا میزان پایبندی بزهکاران به علقه‌های اجتماعی اهمیت یافت (Reckless, 1967: 470-474). تر/ویس هیرشی^۳ با طرح نظریه «پیوند اجتماعی»^۴ موانع اصلی ارتکاب رفتار جنایی را بدین صورت شرح می‌دهد:

(۱) **دلبستگی**: بر اساس این اصل، افراد در زندگی دلبستگی‌هایی به خانواده، دوستان و

1. Containment Theory
2. Walter Reckless
3. Travis Hirschi
4. Social Bond Theory
5. Attachment

جامعه دارند که هرچه این دل‌بستگی‌ها بیشتر و شدیدتر باشد، احتمال ارتکاب رفتارهای نابهنجار کاهش خواهد یافت.

(۲) **تعهد:** افراد معمولاً در زندگی به اهداف و وظایف خاص شغلی یا موارد دیگر متعهد می‌باشند؛ لذا تعهدات تا حدی می‌توانند انگیزه‌ای برای انجام رفتارهای مطابق با هنجارهای ارزشی جامعه ایجاد نمایند.

(۳) **مشغولیت:** هرچه مشغولیت افراد به فعالیت‌های اجتماعی و مثبت بیشتر باشد، طبعاً فرصت کمتری برای آنان وجود دارد تا رفتارهای نابهنجار مرتکب شوند.

(۴) **اعتقاد:** باور به اعتقاد دینی و اخلاقی و اهمیت قوانین در افراد، مانع قابل توجهی برای ارتکاب جرم می‌تواند تلقی شود (Hirschi, 1969: 20-23).

این رویکرد بر این واقعیت قرار دارد که افراد در جامعه همواره در معرض فشارهایی هستند که آنان را به سوی بزهکاری سوق می‌دهند. در واقع، افراد در کشاکش میان خوب زیستن و رفتارهای ضد ارزش، برای رسیدن به مقاصد خود هستند. در این میان، مهارت کفّ نفس یا تقویت مقومات چهارگانه نظریه پیوند اجتماعی، ابزار کنترل‌کننده و بازدارنده هستند. این رویکرد با ارائه روش‌های جایگزین بزهکاری و انحراف و ایجاد موانع بیرونی در مسیر ارتکاب جرم، فرد را به سوی همنوایی با جامعه و انجام رفتارهای مطابق با هنجار سوق می‌دهد (Reckless, 1967: 456). این نظریه در توسعه رویکرد امنیت‌گرا در سیاست‌های جنایی تأثیرگذار بوده است. سیاست جنایی امنیت‌گرا با در نظر گرفتن مؤلفه‌های معنایی، در خلق عناوین مجرمانه جدید که این اصول را تهدید می‌کند، تحت تأثیر قرار می‌گیرد. همچنین، در انگاشت کیفر قانونی و گزینش کیفر برای بزهکار، توجه به این اصول ممکن است سیاست جنایی را به سمت امنیت‌گرایی سوق دهد.

۲. تحلیل هنجاری امنیت‌گرایی کیفری در تحدید حقوق ارتباطی در فضای مجازی

در این مبحث از پژوهش، نخست آثار هنجاری تأثیرگذار سیاست جنایی امنیت‌گرا بر حقوق ارتباطی در فضای مجازی تبیین می‌شود. در ادامه، این آثار از حیث اصول حقوق کیفری مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱. جلوه‌ها

در این گفتار، آثار هنجاری امنیت‌گرایی بر حوزه سیاست جنایی در قلمروی حقوق ارتباط مجازی

بررسی می‌شود.

۲-۱. سیاست‌های کیفری توان‌گیر

توسعه برنامه‌های کاربردی در فضای مجازی که تسهیل‌گر ارتباطات میان‌فردی شده است، شگردهای ارتکاب جرم را نیز متحول ساخته است. در این وضعیت، یکی از راهبردهای نظام عدالت کیفری برای مداخله نسبت به رفتارهای خطرناک جنایی، استفاده از سیاست‌های کیفری توان‌گیر است. یکی از مهم‌ترین مصادیق این راهبرد، استفاده از ابزار پالایش (فیلترینگ)^۱ برای محدود ساختن دسترسی به ابزارهای ارتباطی، مسدود کردن فعالیت برخی کاربران پرخطر یا پالایش محتواهای دارای ریسک جنایی است.

استفاده از سیاست‌های کیفری توان‌گیر در راستای حفظ امنیت ملی، تقریباً در تمام کشورها رایج است. دولت ایالات متحده بیشترین استفاده از این ابزار را پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، از رهگذر اجرای قانون میهن‌پرستی دارد (روزبهرانی، ۱۳۹۳: ۱۹). ماده (۲۲۵) این قانون در خصوص اصلاح ماده (۱۰۵) قانون نظارت بر فعالیتهای اطلاعاتی خارجی (مصوب ۱۹۷۸)، محدودیتهای استفاده از ابزارهای مخابراتی و کنترل داده‌های در حال انتقال در بستر فضای سایر را برای مقابله با فعالیت ضد جاسوسی و ضد تروریستی کاهش داد. مواد دیگر این قانون نیز به مقامات قضائی این اجازه را دادند که حسب مورد، نسبت به افرادی که دارای ریسک انجام اقدامات تروریستی هستند، محدودیتهای مخابراتی و ارتباطی را اعمال کنند. اما استفاده از ابزارهای کیفری توان‌گیر نیز مقتضیات خاص خود را دارد و نمی‌توان در هر موضوعی قائل به مداخله بود؛ چراکه استفاده از این ابزارها موجب تحمیل هزینه‌های زیادی به دولت خواهد شد (فیروزمنش، ۱۳۸۵: ۲۵-۲۶).

ماده (۱۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)^۲ در راستای سیاست‌های کیفری توان‌گیر قابلیت بحث دارد. به موجب این ماده، در صورتی که ریسک جنایی «فعالیت تمام یا بخشی از امور

۱. «فیلترینگ عبارت است از محدود کردن دسترسی کاربران اینترنت به وب‌گاه‌ها و خدمات اینترنتی که معمولاً به وسیله ارائه‌دهندگان خدمات اینترنت (ISP) انجام می‌شود» (بای و پورقهرمانی، ۱۳۸۸: ۲۲۲).

۲. «جلوگیری از فعالیت تمام یا بخشی از امور خدماتی یا تولیدی از قبیل امور تجاری، کشاورزی، فعالیت کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و شرکت‌های تجاری و تعاونی‌ها و مانند آن ممنوع است مگر در مواردی که حسب قرائن معقول و ادله مثبت، ادامه این فعالیت متضمن ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای باشد که مضر به سلامت، محل امنیت جامعه و یا نظم عمومی باشد که در این صورت، بازپرس مکلف است با اطلاع دادستان، حسب مورد از آن بخش از فعالیت مذکور جلوگیری و ادله یادشده را در تصمیم خود قید کند. این تصمیم ظرف پنج روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه کیفری است».

خدماتی یا تولیدی، از قبیل امور تجاری، کشاورزی، فعالیت کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و شرکت‌های تجاری و تعاونی‌ها و مانند آن» بالا باشد، مقام تحقیق با اطلاع دادستان می‌تواند جلوی تمام یا بخشی از آن فعالیت را بگیرد. در تاریخ ۱۳۹۷/۲/۱۰، بازپرس دادسرای فرهنگ و رسانه تهران مستند به این ماده، به ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی به اینترنت کشور (ISP)، شرکت ارتباطات زیرساخت، اپراتورهای تلفن و دارندگان پروانه ارائه خدمات ارتباطات ثابت دستور داد تا سرورهای پیام‌رسان تلگرام^۱ از دسترس خارج شود.^۲

۲-۱-۲. اقدامات کیفری نامعین و غیر زمان‌دار (نامحدود)

اقتضای حاکمیت قانون در سیاست کیفری مطلوب آن است که اقدامات کیفری، اعم از مجازات یا سایر اقدامات تأمینی و نظارتی، به صورت معین و محدود در چارچوب قانون باشد و مقام قضایی نیز باید در این چارچوب محدود اقدام کند. اما اجرای این اصل در خصوص «اقدامات تأمینی و تربیتی» در حقوق کیفری، محل تأمل است. اقدامات تأمینی از دستاوردهای جرم‌شناسی پوزیتیویسم ایتالیایی است که از اواخر قرن نوزدهم مورد توجه نظام‌های حقوقی کیفری در جهان قرار گرفته است (قاسمی، ۱۳۷۴: ۱۰). این اقدامات در راستای خنثی کردن حالت خطرناک، مقابله با بزه‌کاران به عادت و پیشگیری از تکرار جرم پیش‌بینی شده‌اند. در طی سالیان اخیر، متعاطیان نظام حقوق کیفری بر آن بوده‌اند تا تعاریفی از اقدامات مذکور ارائه دهند.

ماده (۱) قانون اقدامات تأمینی (۱۳۳۹)، اقدامات تأمینی را آن دسته از تدابیر قضایی معرفی می‌کند که «دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنبه یا جنایت) درباره مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند.» در نظام حقوق کیفری ایران، «اقدامات تأمینی و تربیتی عبارت است از یک سلسله تدابیر و راه کارهایی که جهت پیشگیری از وقوع جرم توسط مجرمین خطرناک و اصلاح و تربیت بزه‌کاران به حکم قانون و از سوی محاکم قضایی اعمال می‌گردد» (رهامی، ۱۳۹۲: ۲۴-۲۵). با توجه به مفهوم اقدامات تأمینی و تربیتی، امکان تعیین و تحدید قلمروی زمانی دوره اعمال این اقدامات دشوار است؛ چرا که اقدامات تأمینی و تربیتی دائر مدار وضعیت خطرناک بوده و پیش‌بینی رفع حالت خطرناک با توجه به شخصی بودن معیار آن، ناممکن است.

اقتضای سیاست کیفری امنیت‌گرا، وضع اقدامات تأمینی در برابر وضعیت خطرناک است. ماده (۱۵۰) قانون مجازات اسلامی در خصوص وضعیت خطرناک افراد دارای اختلال روانی و ماده (۱۱۴) قانون آیین دادرسی کیفری در نظام کیفری ایران در این راستا قابل تحلیل است. اهمیت

1. Telegram

۲. <http://www.mizanonline.com/fa/news/416168> (تاریخ درج خبر: ۱۳۹۷/۲/۱۱؛ تاریخ مشاهده: ۱۴۰۳/۱۲/۱۶)

اقدامات تأمینی در رویکرد سیاست کیفری امنیت گرا اهمیت بیشتری پیدا می کند. در این رویکرد، موضوع وضعیت خطرناک دیگر اشخاص معین یا فعالیت های مشخص نیست، بلکه شامل تعداد قابل توجهی از انسان ها در جامعه شده و مشاغل و فعالیت های گسترده ای را در بر می گیرد. انسداد شبکه های پیام رسان، پالایش داده های در حال انتقال، کنترل ارتباطات مخابراتی و ارتباطات جریان یافته در بستر فضای سایبر به صورت نامحدود و به شکل گسترده، تحت تأثیر رویکرد امنیت گرا و در قالب اقدام تأمینی متصور است (Liansom & Douglas, 2000: 261).

۲-۱-۳. مداخله گری در حریم خصوصی^۱

حریم خصوصی محدوده معقولی از حوزه اقتدار فرد است که مصون از تعرض دیگران (اعم از دولت و اشخاص خصوصی) می باشد. با توجه به اهمیت فردگرایی در مقوله حریم خصوصی، حق بر حریم خصوصی به مثابه یکی از مصادیق حقوق بشر و حقوق اساسی شهروندی، اهمیت یافته است (DeCew, 2007: 404). به عنوان مثال، ماده (۸) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۲ حمایت هایی را از محیط خصوصی خانواده و حریم خصوصی افراد به عمل آورده است (McLeod, 2018: 186). سه رکن اساسی حریم خصوصی، «گمنامی، محرمانگی و تنهایی» است (محسنی، ۱۳۸۹: ۲۸). بر اساس این سه رکن، سه تعریف کلی از حریم خصوصی وجود دارد: برخی حقوق دانان، حریم خصوصی را «حق بر تنها ماندن» برخی نیز آن را «در دسترس دیگران نبودن» و برخی دیگر نیز آن را «کنترل اطلاعات شخصی از انتشار عمومی آن» برشمرده اند (DeCew, 2007: 393). مبانی نظری و جهان بینی در تبیین واژگان و مفاهیم حقوق تأثیر زیادی دارد. برای تبیین مفهوم حریم خصوصی نیز لازم است از دریچه عینک نظری بدان نگریسته شود. از سوی دیگر، این مفهوم به فراخور زمان و مکان دارای وسعت معنایی است. همچنین این مفهوم دارای ریشه های جامعه شناختی و انسان شناختی می باشد و رابطه تنگاتنگی نیز با ارزش های موجود درون هر جامعه ای دارد (انصاری، ۱۳۹۳: ۱۱). به همین دلیل نمی توان تعریف مورد وفاقی از حریم خصوصی ارائه داد.

1. Privacy

۲. ماده ۸- حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی افراد

- ۱- هر کس از حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مراسلات خود برخوردار است.
- ۲- در اجرای این حق هیچ مداخله ای نباید از سوی هیچ یک از مقامات دولتی صورت گیرد مگر مداخلات منطبق بر قانون و مواردی که در یک جامعه ی مردم سالار به دلایل حفظ امنیت ملی، ایمنی عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، پیشگیری از هرج و مرج و جرایم، حفاظت از سلامتی و اخلاقیات یا حفاظت از حقوق سایرین ضروری تشخیص داده شوند.

با وجود حمایت‌های حقوقی از حریم خصوصی، همچنان نگرانی‌هایی در باب امنیت ملی موجب شده است که نسبت به صیانت از این حق، انعطاف‌هایی وجود داشته باشد. مسائلی از قبیل تروریسم، نسل‌کشی، جنگ‌های داخلی و ایدز منجر شده است که دولت‌ها در سراسر جهان نظارت وسیع و گسترده‌ای نسبت به حریم خصوصی اشخاص داشته باشند (DeCew, 2007: 395). حریم خصوصی در فضای سایبر نیز تعریف مشابهی دارد و یکی از مهم‌ترین مصادیق آن، محرمانگی داده‌های ارتباطی اشخاص در این فضا است. بر این اساس، «دولت‌ها باید اقتدار خصوصی افراد و حفظ اطلاعات شخصی آن‌ها را» در فضای سایبر صیانت کنند (Between, 2002: 27). اما ویژگی‌های خاص فضای سایبر موجب ایجاد منطقه امن برای شکل‌گیری تهدیدات نوین شده است. در موقعیت‌هایی که مجموع منافع خصوصی معارض اجرای قوانین، سلامت و آسایش عمومی، امنیت ملی، تجارت، کارآمدی و سایر حقوق عمومی باشد، اعتبار حریم خصوصی مخدوش خواهد شد. به‌عنوان مثال، پس از وقایع یازده سپتامبر در آمریکا، مفهوم امنیت داخلی^۱ در کنترل و نظارت بر حریم خصوصی افراد نقش مهمی ایفا کرده است (DeCew, 2007: 401).

در شرایطی که تهدیدات عینی موجودیت نظام سیاسی را دربر می‌گیرند، دولت‌ها با توجیه صیانت از نظم عمومی و امنیت ملی، به نقض گسترده حریم خصوصی افراد در بستر فضای سایبر دست می‌زنند. جریان نظم عمومی و امنیت ملی به‌مثابه ارزش در سیاست‌های کیفری، توجیه‌کننده بسیاری از اقدامات کنترلی و نظارتی در حریم خصوصی اشخاص است. در این میان، به دلیل مخاطرات امنیتی که در فضای سایبر برای نظام‌های سیاسی ایجاد می‌شود، برخی دولت‌ها هیچ‌گونه مرزی میان حریم خصوصی و حریم عمومی در فضای سایبر برای اشخاص قائل نشده و محدودیت‌های کنترلی و نظارت‌های گسترده را نسبت به داده‌ها اعمال می‌کنند (محسنی، ۱۳۸۹: ۲۱۲). حق بر ارتباط در این فضا (حق بر ارتباط مجازی) موضوع مورد علاقه دولت‌ها برای مداخله در حریم خصوصی در این موقعیت‌ها می‌باشد. به همین دلیل، در شرایط تهدید امنیتی، یکی از مهم‌ترین بسترهای ایجاد نظارت و وضع محدودیت‌های کنترلی، ابزارهای ارتباط مجازی و بسترها و برنامه‌هایی است که وقوع چنین ارتباطاتی را تسهیل می‌سازند.

۲-۲. ارزیابی

واقعیت آن است که تا آثار رویکرد امنیت‌گرایی در سیاست جنایی آشکار نشود، نمی‌توان نسبت به آن قضاوت هنجاری داشت. از این رو، پس از بیان جلوه‌های رویکرد امنیت‌گرا در سیاست

جنایی در قلمرو حق بر ارتباط مجازی، باید به ارزیابی آثار آن پرداخته شود. در ادامه، معیارهای موضوع ارزیابی به بحث گزارد می‌شود.

۲-۱. صیانت از حقوق شهروندی

یکی از مهم‌ترین آثار زیان‌بار امنیت‌گرایی در سیاست جنایی، نقض حقوق بشر و شهروندی در فرایند مداخله کیفری است. بر اساس ماده (۷) قانون آیین دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی موضوع قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۵ ضروری دانسته شده و نقض این حقوق را مستوجب مجازات انفصال از خدمت، محرومیت از مشاغل حکومتی و حبس می‌داند. به‌طور کلی، به موجب ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات)، نقض حقوق شهروندی موضوع قانون مزبور و سایر حقوق مقرر در اصول قانون اساسی (به ویژه، حقوق مقرر در فصل سوم قانون اساسی) از سوی مقامات و مأموران حکومتی و دستگاه‌های اجرایی، متحمل واکنش کیفری مذکور در سطور فوق است.

بخشی از این حقوق مقرر، مصونیت حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل از تعرض است.^۱ همچنین، ممنوعیت تفتیش عقاید^۲، آزادی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب (مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند)^۳، ممنوعیت بازرسی نامه‌ها و ضبط و افشای مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور و عدم ارسال مخابرات، نامه‌ها و مکالمات، و ممنوعیت استراق سمع و تجسس^۴ و انتخاب شغل (مگر آنکه مخالف اسلام، مصالح عمومی و حقوق دیگران باشد)^۵، از دیگر مصادیق حقوق مشروع موضوع قانون اساسی است که در قلمرو حق بر ارتباط مجازی اهمیت می‌یابد. مطابق با این اصول، اعمال محدودیت در خصوص حقوق ارتباطی خارج از موارد بیان‌شده در قانون اساسی، فاقد مشروعیت است.

سیاست‌های کیفری امنیت‌گرا این قابلیت را دارند که حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان را در معرض تهدید قرار دهند. استناد به مبانی دشمن‌مداری در بستر امنیت‌گرایی کیفری، موجب تولید دوگانه خودی/دشمن می‌شود. در این دوگانه‌نگاری، توجه به مفهوم دشمن در قبال

۱. اصل (۲۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲. اصل (۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۳. اصل (۲۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۴. اصل (۲۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۵. اصل (۲۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

بزهکاران باعث فروپاشی کلیه مرزهای حقوقی می‌شود. در این میان، راهبرد «جنگ علیه جرم»^۱ در بستر سیاست کیفری امنیت‌گرا و در راستای توجیه مبارزه با دشمنان (بزهکاران)، مهم‌ترین توجیه برای تحدید حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان می‌باشد. در این راستا، ابزارهای ارتباطی در فضای مجازی یکی از سکوه‌های مدنظر دولت‌ها است که با استفاده از سیاست‌های امنیت‌گرا، اقدام به کنترل و انسداد آن می‌کنند. این اقدام در وقوع بحران‌های امنیتی و اجتماعی، معمولاً خارج از چارچوب‌های قانونی و قضایی صورت می‌گیرد که این اقدام، مصداق بارز تحدید نامشروع حقوق و آزادی‌های شهروندی است.

۲-۲. اصل قانون‌مندی کیفری

یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر حقوق کیفری مدرن، حاکمیت قانون بر فرآیند مداخله کیفری است؛ با این توضیح که مداخله کیفری باید در چارچوب قانون موضوعه انجام شود و هیچ‌گونه تحدید یا سلب حقوق و آزادی شهروندان نباید فراتر از حدود معین در قانون باشد. امروزه حاکمیت قانون، یکی از مهم‌ترین اصول بنیادین حقوق کیفری محسوب می‌شود که در اسناد حقوق بشر نیز جایگاه خود را تثبیت کرده است.^۲ اصول متعدد قانون اساسی نظیر اصول (۳۲)، (۳۳)، (۳۶) و (۱۶۹)، مهم‌ترین اصولی هستند که فرآیند کیفری را در چارچوب قانون موضوعه ساماندهی می‌کنند. همچنین، به دلیل تحولات حوزه فناوری و توسعه کارکردهای اینترنت، حق بر ارتباط مجازی به مثابه یک ابزار فراگیر، به یک حق بنیادین بشری ارتقا یافته است.

با این حال، اقتضای مقابله با تهدیدات امنیتی آن است که در برخی موقعیت‌ها از اصل چارچوب مقرر در قوانین موضوعه فراتر رفت. دولت‌ها در موقعیت‌های بحرانی با رفتارهای زیان‌باری مواجه می‌شوند که سابقاً این رفتارها از سوی قوانین موضوعه جرم‌انگاری نشده‌اند. همچنین در فرایند کیفری نیز رعایت قوانین و مقررات دادرسی کیفری در این موقعیت‌ها موجب دشواری در مهار بحران و کنترل شرایط می‌شود. از این رو، یکی از چالش‌های نظام حقوقی در شرایط اضطراری، نحوه مواجهه با بحران و کنترل تهدیدات در چارچوب موازین قانونی است (عالی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۱۹). در این شرایط، لغو دسترسی همگانی به ابزارهای ارتباط مجازی، یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت‌ها در شرایط اضطراری است که گام مهمی برای مقابله و خنثی‌سازی تهدیدات امنیتی محسوب می‌شود.

1. War on Crime

۲. ماده (۱۱) اعلامیه جهانی حقوق بشر و بندهای (۲)، (۴)، ماده (۱۴) و ماده (۱۵) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مهمترین اسناد حقوق بشری هستند که اصل قانون‌مندی کیفری را بیان می‌کنند.

همان‌طور که حق دسترسی به آب و انرژی، به‌مثابه حقوق ذاتی بشر قلمداد می‌شود، حق دسترسی به ابزارهای ارتباطی نیز به دلیل اهمیت حیاتی، در عداد این دسته از حقوق قرار می‌گیرد (بای و پورقهرمانی، ۱۳۸۸: ۱۲۰). بر این اساس، دولت‌ها نمی‌توانند به‌طور کلی حق دسترسی به ابزارهای ارتباطی شهروندان را سلب کنند. همچنین، بر اساس قواعد عمومی اصالة الاباحه و اصل حظر، وضع ممنوعیت مطلق این دسته از ابزارها فاقد مشروعیت است (روزبهرانی، ۱۳۹۳: ۵۷-۵۸). با این حال، چنانچه مصلحت عمومی بر مبنای توجیهات معقول و مشروع مقتضی اعمال محدودیت نسبت به ابزارهای ارتباطی باشد، وضع هر گونه ممنوعیت باید به‌صورت موردی و در چارچوب موازین قانونی و با استفاده از اقتدار قضایی باشد؛ چرا که اعمال محدودیت نسبت به حقوق مشروع انسان تنها باید در چارچوب میثاق همگانی و مشروع باشد که در نظام‌های سیاسی مردم‌سالار، این امر در حوزه اقتدار قانون است. از سوی دیگر، اجرای محدودیت‌های مزبور باید از سوی مقام مشروع و مأذون شرعی باشد که بر اساس مبانی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، این امر در حوزه اقتدار مقامات قضایی است (الهام و برهانی، ۱۴۰۰: ۳۵-۳۶). بر این اساس، سیاست‌های کیفری امنیت‌گرا باید در چارچوب موازین قانونی و با تصمیم موردی و معین مقامات قضایی اقدام به وضع محدودیت نسبت به حقوق ارتباطی شهروندان نمایند.

۲-۳. اصل کمینه‌گرایی کیفری

سابقه تاریخی بحث در مورد قلمرو مداخله کیفری به قرون هفده و هجده میلادی از سوی هابز، جان لاک و کانت باز می‌گردد. این دسته از اندیشمندان که ایده‌پرداز نظریه قرارداد اجتماعی بودند، به نوعی مداخله حداقلی از سوی دولت قائل بودند. لذا، فلسفه وجودی دولتی حداقلی^۱ آن است که به اجرای عدالت و اعمال حاکمیت قانون بپردازد (محمودی جانکی و روستائی، ۱۳۹۲: ۴۶). در این راستا، روند تکاملی قلمرو مداخله حقوق کیفری با ظهور مکتب کلاسیک آغاز شد (الهام و برهانی، ۱۴۰۰: ۲۶-۲۷). بر این اساس، قلمرو کیفری «آستانه‌ای که با توجه به آن، ضمانت‌اجراهای غیرکیفری - از نظر تضمین‌های معمول برای آیین دادرسی کیفری - مشابه با مقوله کیفری تلقی خواهد شد.» (دلماش مارتی، ۱۳۹۳: ۵۱).

«چرایی و ضرورت توجیه مداخله کیفری را می‌توان در قالب دلایل مختلف فلسفه اخلاق و سیاست و از منظر فردی، اجتماعی و کنش‌گران نظام عدالت کیفری بررسی کرد»، اما در نهایت این نظریات به توجیه مداخله کیفری از سوی دولت پرداخته‌اند؛ چرا که استفاده از ابزارهای قهرآمیز کیفری، صرفاً در انحصار دولت بود (محمودی جانکی و روستائی، ۱۳۹۲: ۳۶-۳۷).

مداخله به معنای وارد شدن در یک موضوع با هدف انجام رفتار یا تأثیرگذاری بر روی آن موضوع است؛ با توجه به این معنا، مداخله کیفری به معنای «دخالت دولت در نظام‌های اجتماعی از رهگذر جرم‌انگاری و وضع و اعمال ضمانت‌اجراهای کیفری با هدف ایجاد یا تداوم نظم و امنیت و رفاه اجتماعی» است. لذا هرگونه مداخله دولت باید مبتنی بر یک‌سری اصول و اهداف باشد (فیروزمند، ۱۳۸۵: ۲۹).

مداخله کیفری بیان‌گر عملکرد نظام عدالت کیفری در سه ساحت تقنین، اجرا و دادرسی است. در اثر مداخله کیفری، آزادی‌های فردی محدود می‌گردد؛ زیرا هدف اصلی از مداخله کیفری، محافظت از آن چیزی است که مورد مداخله قرار می‌گیرد. لذا آن چیز باید آن‌قدر ارزشمند باشد که بتوان به دلیل ارزش‌مندی آن، آزادی‌های فردی را محدود و حتی سلب کرد (محمودی جانکی و روستائی، ۱۳۹۲: ۳۹). امروزه، دولت‌ها با پدیده‌ای تحت عنوان «جهانی‌شدن» مواجه هستند. این پدیده منجر به بروز پدیده‌های شگرف دیگری در جهان از قبیل دیجیتالی شدن ارتباطات، مکاتبه‌ها و انتشارات، امکان ارتباط از راه دور، امکان ارسال تصویر، فیلم و مکالمه در فضای مجازی گردیده است. «مواردی از این دست، چالش بزرگی را در فراروی نظام‌های حقوقی نهاده است که برای کنترل فضای اخلاقی، اجتماعی و حتی سیاسی جامعه، خود را مسئول و دارای تکلیف می‌دانند» (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۲۴۷). در این راستا شاید بتوان گفت امروزه موضوع مداخله در حوزه فناوری اطلاعات علاوه بر اشخاص، به اشیاء و ابزارهای عینی و مجازی نیز قابل تسری باشد؛ چرا که این ابزارها به دلیل گستردگی کاربری در حیات بشری، نقش مهمی در سامان‌بخشی به نظام اجتماعی ایفا می‌کنند. به همین دلیل، سیاست‌های کیفری امنیت‌گرا، ابزارهای سرکوب‌گر را نسبت به ابزارهای ارتباطی در فضای مجازی توسعه می‌دهند.

بر اساس عقیده برخی پژوهشگران «به این دلیل که کالای امنیت انحصاراً توسط دولت‌ها عرضه می‌شود، محدود کردن آزادی‌های افراد از طریق جرم‌انگاری و سرکوب کیفری، ساده‌ترین راه برای تحقق این امر تلقی شده و در مواردی امنیت ملی یا مصلحت عمومی، به امنیت حاکمان و نظم سیاسی مستقر، فرو کاسته شده است» (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۱۷). همچنین از آن جهت که سیاست‌های کیفری امنیت‌گرا، منجر به اتخاذ تدابیر سخت‌گیرانه و سرکوب‌گر می‌شود، به تدریج موجب تورم کیفری خواهد شد. در این وضعیت، قوانین کیفری مؤثرترین ابزار دولتی است که نظام‌های سیاسی برای پیش‌بینی رفتارهای زیان‌بار به مثابه جرم و کنترل تهدیدات امنیتی به کار می‌گیرند. از این رو، سیاست‌های کیفری امنیت‌گرا زمینه‌ساز تورم زرادخانه‌های کیفری کشورها می‌شود. همچنین توسعه قلمرو کیفری از اشخاص به ابزارهای ارتباطی و اتخاذ تدابیر تأمینی کیفری نسبت به ابزارها، مغایرت اساسی با اصل کمینه‌گرایی کیفری دارد.

نتیجه و پیشنهادات

امروزه حق بر ارتباط به یکی از حقوق بنیادین بشر تبدیل شده است؛ زیرا جزء غیر قابل انفکاک حیات انسانی بوده و به یک نیاز بنیادین در زندگی بشر تبدیل شده است. از این رو، اعمال هرگونه محدودیت در استیفای این حق، مستلزم توجیه مشروع می‌باشد. از سوی دیگر، توسعه ابزارهای ارتباطی به منظور تسهیل در استیفای حق بر ارتباط، موجب دگرگونی در شگردهای مجرمانه امنیتی شده و زمینه‌های تهدید علیه امنیت را مهیا می‌سازد. از این رو، ابزارهای ارتباطی دارای کاربرد دوگانه‌ای هستند که ضمن مزایای اساسی در قلمرو حقوق بشر و شهروندی، می‌توانند زمینه را برای ثبات و آرامش نظام‌های سیاسی متزلزل کنند.

رویکرد امنیت‌گرا در قلمرو سیاست‌های کیفری، برای مواجهه با پدیده‌های دارای کاربرد دوگانه مشروع و زیان‌بار، موجودیت یافت. مهم‌ترین مبانی مؤثر بر مشروعیت یافتن این رویکرد را باید در بنیادهای سیاسی- اجتماعی حقوق کیفری دوره پسا مدرن جست‌وجو کرد. افزایش چشمگیر نرخ جرایم، ایجاد ناامنی عمومی در اثر وقوع بزهکاری‌های خیابانی، شکست رویکرد اصلاح و درمان و وقوع تهدیدات نوین علیه امنیت ملی کشورها، بزهکاران را در هیئت دشمنان خطرناک جلوه‌گر ساخت. نظام‌های عدالت کیفری با طرح محورهای نظیر دفاع اجتماعی و حالت خطرناک، رویکرد جرم‌شناختی کنترل اجتماعی را بر سیاست‌های کیفری حاکم کردند.

یکی از مهم‌ترین آثار سیاست‌های کیفری امنیت‌گرا، توسعه اتخاذ راهبردهای کیفری از اشخاص به ابزارها است که این خود نوعی عقب‌گرد به دوره حقوق کیفری پیشا مدرن است. ویژگی برجسته حقوق کیفری مدرن، تمرکز بر انسان مسئول به عنوان سوژه سیاست‌های کیفری است که به لحاظ تبارشناختی، این امر تحت تأثیر آموزه‌های انسان‌گرایی علوم اجتماعی مدرن به وجود آمد. این در حالی است که در دوره پسا مدرن و با اتخاذ راهبردهای امنیت‌گرایانه، امنیت نظام‌های سیاسی در اولویت قرار گرفت و سیاست‌های کیفری در دامنه ابزارها نیز قابلیت اعمال یافت. به همان میزان که مجازات کردن آلت قتاله در دوره پیشا مدرن مرسوم بود، توقیف ابزارها و اعمال محدودیت نسبت به کاربرد آن‌ها نیز در سایه سیاست‌های کیفری امنیت‌گرا قابل توجیه بود. در این میان، ابزارهای ارتباطی به دلیل قابلیت‌های خاص نسبت به هم‌افزایی افراد در گروه‌های منسجم اجتماعی و تبدیل کنش‌های فردی به جنبش‌های اجتماعی (و حتی ایجاد شورش‌های جمعی و ناامنی‌های عمومی)، یکی از مهم‌ترین سوژه سیاست‌های کیفری امنیت‌گرا در چند سال اخیر است. مشاهده‌های میدانی در شورش‌های جمعی در کشورهای مختلف که منجر به بحران‌های اجتماعی و رخدادهای امنیتی شده است، بیانگر نقش برجسته ابزارهای ارتباطی در فراهم آوردن جمعیت انسانی و تمرکز این جمعیت در یک نقطه اعتراضی بوده است که سرآغاز

نامنی عمومی شده و بقای نظام‌های سیاسی را تهدید می‌کند. به همین دلیل، این گونه ابزارها همواره در معرض محدودیت‌های کیفری هستند. به هر میزان که ابزارهای ارتباطی متکی به بستر فضای مجازی در فرآیند انتقال پیام‌های ارتباطی باشند، به دلیل قابلیت‌های ویژه در عملیات‌های مجرمانه، در معرض شدیدترین محدودیت‌ها هستند.

با این حال، فراتر از آنچه که اقتضای فضای واقعی جامعه در مواجهه با ابزارهای ارتباطی در فضای مجازی است، ارزیابی این گونه راهبردها از منظر اصول بنیادین حقوق کیفری است. ابزارهای ارتباطی به یکی از جنبه‌های مهم شهروندی تبدیل شده است و اعمال محدودیت نسبت به استفاده از این ابزارها می‌تواند مصداق بارز سلب استیفای حق شهروندی محسوب شود. با توجه به اسناد حقوق بشر و فحوای اصول مندرج در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، وضع هرگونه محدودیت نسبت به استیفای حقوق شهروندی باید مستند به قانون بوده و در یک فرآیند مشروع قضایی صورت گیرد. از این رو، سیاست‌های کیفری توان‌گیر که از جلوه‌های مهم امنیت‌گرایی کیفری در برابر ابزارهای ارتباطی در فضای مجازی است، در صورتی که مستند به قانون نباشد و خارج از چارچوب‌های قضایی صورت گیرد، نقض بارز حقوق شهروندی محسوب خواهد شد.

از سوی دیگر، یکی از اقتضائات نامطلوب امنیت‌گرایی کیفری که باید در معرض صیانت قرار گیرد، عدول از اصل حاکمیت قانون در فرآیند کیفری است. متأسفانه بسیاری از نظام‌های سیاسی با تمسک به حق بر امنیت و صیانت از بقای دولت، در مواجهه با بحران‌ها از چارچوب قوانین فراتر می‌روند. با این حال، گاه مشاهده می‌شود که برخی کشورها با وضع قوانین نامطلوب، به دنبال اعطای اختیارات فراقانونی نامحدود برای مقابله با این بحران‌ها هستند. یکی از مهم‌ترین مصادیق این وضعیت، وضع اقدامات کیفری نامعین و نامحدود خارج از رویه‌های قضایی برای کنترل پیام‌های ارتباطی شهروندان است. این وضعیت مغایر با اصل حاکمیت قانون در فرآیند کیفری بوده و مشروعیت راهبردهای کیفری در برابر ابزارهای ارتباطی را خدشه‌دار می‌کند. علاوه بر آن، این وضعیت موجب مداخله کیفری گسترده در قلمرو خصوصی است که با اصل کمینه‌گرایی کیفری به مثابه بنیاد حقوق کیفری مدرن، منافات دارد.

واقعیت آن است که نمی‌توان اهمیت نظم و امنیت را در جامعه نادیده گرفت و با لحاظ واقع‌گرایی نسبت به نقش دولت‌ها در شکل‌گیری نظام‌های حقوقی، نباید نسبت به بقای نظام‌های سیاسی بی‌تفاوت بود. به همین دلیل، مفهوم «امنیت» با وجود اهمیت ذاتی خود در جامعه انسانی، در سطح ارزش بنیادین در سیاست‌های جنایی ارتقا یافته است. با این حال، سیاست‌های کیفری نیز نباید با اتخاذ دیدگاه‌های یک‌سویه در صیانت از ارزش‌ها، از مدار عدالت‌گرایی کیفری عدول

کنند. اگر شالوده حقوق کیفری مدرن انسان‌گرایی بود، باید بنیان حقوق کیفری هزاره سوم را در تعادل ارزش‌های بنیادین سازنده سیاست‌های جنایی جست‌وجو کرد. انسان به‌عنوان جزئی از جامعه، زمانی می‌تواند امنیت را به‌عنوان ارزش پذیرا باشد که پیش از آن، دولت‌ها در راستای «احساس امنیت» او تلاش کنند. اعتبار بخشیدن به حقوق شهروندان، تضمین استیفای آن حقوق و جبران حقوق نقض‌شده، یکی از بسترهای حیاتی برای ارتقای احساس امنیت است که به وسیله قانون و ارج نهادن به حاکمیت قانون، محقق می‌شود. البته قاعده کلی منع سوءاستفاده از حق به‌عنوان مبنای بی‌بدیل حقوق فردی، همواره باید محترم شمرده شود. اما اتخاذ راهبردهای کیفری حداکثری در سایه تأکید بلاوجه بر مفهوم امنیت که می‌تواند منجر به خروج از مدار حاکمیت قانون شده و اصل بنیادین کمینه‌گرایی کیفری را نقض کند، زمینه‌ساز بی‌احترامی به حقوق شهروندی خواهد شد و ثمره این بی‌احترامی، چیزی جز تزلزل در احساس امنیت نخواهد بود. از این رو، سیاست‌های کیفری امنیت‌گرا در مواجهه با ابزارهای ارتباطی، باید با تأکید بر حاکمیت قانون و در چارچوب‌های مشخص و معین قضایی، تحت کنترل قرار گیرد تا با نقض غرض از امنیت‌گرایی، موجب سلب احساس امنیت شهروندان نگردد.

منابع

- الهام، غلامحسین؛ و برهانی، محسن (۱۴۰۰). *درآمدی بر حقوق جزای عمومی*؛ جلد دوم: واکنش در برابر جرم (ویراست سوم، چاپ ششم). ایران، تهران: میزان.
- انصاری، باقر (۱۳۹۳). *حقوق حریم خصوصی* (چاپ اول). ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی - سمت.
- آقابابایی، حسین (۱۳۸۹). *فلمرو امنیت در حقوق کیفری* (چاپ اول). ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- آنسل، مارک (۱۴۰۱). *دفاع اجتماعی* (علی‌حسین نجفی ابرندآبادی و محمد آشوری: مترجمان) (چاپ ششم). ایران، تهران: گنج دانش.
- باستانی، برومند (۱۳۸۳). *جرائم کامپیوتری و اینترنتی؛ جلوه‌ای نوین از بزه‌کاری* (چاپ اول). ایران، تهران: بهنامی.
- بای، حسینعلی؛ و پورقهرمانی، بابک (۱۳۸۸). *بررسی فقهی و حقوقی جرایم رایانه‌ای* (چاپ اول). ایران، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- البوعلی، امیر (۱۳۹۲). *صلاحیت محاکم در جرایم سایبری* (چاپ اول). ایران، تهران: جنگل.
- توجهی، عبدالعالی؛ و دهقانی، علی (۱۳۹۲). *در جدال امنیت‌گرایی و موازین دادرسی منصفانه*

- پژوهش حقوق کیفری، ۲(۳)، ۷-۳۴.
- جایشانکار، کی (۱۳۹۴). جرم‌شناسی سایبری: بررسی جرم‌شناختی جرایم اینترنتی (مهدی مقیمی: مترجم). ایران، تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- جعفری، مجتبی (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی حقوق کیفری (چاپ اول). ایران، تهران: میزان.
- دلماش مارتی، می‌ری (۱۳۹۳). نظام‌های بزرگ سیاست‌جنایی (علی حسین نجفی ابرندآبادی: مترجم) (چاپ اول). ایران، تهران: میزان.
- روزبهرانی، محسن (۱۳۹۳). جایگاه فقهی و حقوقی فیلترینگ در رسانه‌های مجازی از دیدگاه مناهب‌خمس (چاپ اول). ایران، تهران: کتاب آوا.
- رهامی، محسن (۱۳۹۲). اقدامات تأمینی (چاپ دوم). ایران، تهران: میزان.
- سلیمی، علی؛ و داوری، محمد (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی کجروی (چاپ دوم). ایران، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شاملو، باقر (۱۴۰۳). سیاست جنایی (چاپ اول). ایران، تهران: میزان.
- عالی‌پور، حسن (۱۳۸۷). توازن امنیت ملی و آزادی‌های فردی در مقابله با جرایم تروریستی (رساله دکتری). ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- عباسی، بیژن (۱۳۹۰). حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین. ایران، تهران: دادگستر.
- فیروزمندش، افشین (۱۳۸۵). نقش مداخله کیفری در توسعه اقتصاد (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). ایران، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- قاسمی، ناصر (۱۳۷۴). اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران. ایران، تهران: میزان.
- محسنی، فرید (۱۳۸۹). حریم خصوصی اطلاعات. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- محمودی جانکی، فیروز؛ و روستائی، مهرانگیز (۱۳۹۲). توجیه مداخله کیفری؛ اصول و ضرورت‌ها. پژوهش حقوق کیفری، ۱(۳)، ۳۵-۶۶.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۲۹ق). حکومت دینی و حقوق انسان (چاپ اول). ایران، قم: ارغوان دانش.
- میرعمادی، طاهره (۱۳۸۷). مبانی حقوق ملی و شهروندی در فضای تبادل اطلاعات. ایران، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- نژندی‌منش، هیبت‌الله (۱۳۹۵). سازمان‌های بین‌المللی و قاعده‌مند سازی فضای سایبری (چاپ اول). ایران، تهران: خرسندی.
- وال، دیوید (۱۳۸۹). جرایم رایانه‌ای: تغییر ماهیت جرم در عصر اطلاعات (ابوذر اورکی: مترجم). ایران، تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸/۰۹/۱۲؛

- همه‌پرسی با اصلاحات و الحاقات بعدی.
- جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲). قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴؛ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس با اصلاحات و الحاقات بعدی.
- جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲). قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱؛ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات و الحاقات بعدی.
- جمهوری اسلامی ایران (۱۳۳۹). قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹/۰۲/۱۲؛ کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین.
- سازمان ملل متحد (۱۳۲۷). اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۳۲۷/۰۹/۱۹؛ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
- سازمان ملل متحد (۱۳۴۵). میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۳۴۵/۰۹/۲۵؛ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
- Between, M. (2002). The fundamental human rights: An Islamic perspective. *The International Journal of Human Rights*, 6(1), 61-79.
- Hauptman, R. (2007). Encyclopedia of Privacy. *Journal of Information Ethics*, 110.
- DeCew, J. W. (2007). *Definition of Privacy*, in Encyclopedia of Privacy, by William G. Staple (Eds.), London, Greenwood Press, 404-414.
- Lianos, M., & Douglas, M. (2000). Dangerization and the End of Deviance: The Institutional Environment, édition spéciale du «British Journal of Criminology», vol. 40.
- McLeod, S. (2018). Communication rights: Fundamental human rights for all. *International journal of speech-language pathology*, 20(1), 3-11.
- Maruna, S. (2019). "Desistance", in: *The Sage Dictionary of Criminology*, by McLaughlin, Eugene & Muncie, John (Eds.), London, Sage Publications Ltd, 126-129.
- Lab, S. (2008). "Crime Prevention", in: *International Handbook of Penology & Criminal Justice*, by Shoham, Shlomo, Beck, Ori & Kett, Martin (Eds.), New York, Taylor & Francis Group, 231-293.
- Jakobs, G. (2010). *Zur Theorie des Feindstrafrechts*. na. Strafrecht und Strafgerechtigkeit, Rosenau, Henning & Kim, Sanyun (Eds), Frankfurt, 167-182.
- Reckless, W., (1967). *The Crime Problem*, 1st E.D., New York: Meredith Publishing Company.
- Hirschi, T. (1969). *Causes of delinquency* (1. paperback ed., 3. print). Berkley.
- Uniting and Strengthening America by Providing Appropriate Tools Required to Intercept and Obstruct Terrorism (USA PATRIOT) Act of 2001.